



تحلیل مقایسه‌ای فرهنگ ریسک در بانک‌های دولتی و خصوصی و تأثیر آن بر هزینه سرمایه

سمانه کم‌گو^۱

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه نور، واحد نور، استان مازندران، ایران

چکیده

این مقاله با هدف مقایسه فرهنگ ریسک در بانک‌های دولتی و خصوصی ایران و بررسی اثر آن بر هزینه سرمایه تهیه شده است. برای این منظور، با تحلیل داده‌های آماری ۱۰ سال اخیر (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) بانک‌های منتخب، شاخص‌های مختلف مربوط به ریسک و هزینه سرمایه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با استفاده از روش‌های آماری و مدل‌های رگرسیونی، آثار متغیرهای مرتبط با فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه تحلیل شده و مقایسه‌ای میان بانک‌های دولتی و خصوصی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهند که فرهنگ ریسک در بانک‌های دولتی بیشتر محافظه‌کارانه و مبتنی بر مقررات تنظیمی است، در حالی که بانک‌های خصوصی تمایل بیشتری به اتخاذ ریسک‌پذیری دارند. این تفاوت در رویکرد به مدیریت ریسک، به وضوح در نسبت‌های مالی، نرخ‌های سود و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری این بانک‌ها قابل مشاهده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بانک‌های خصوصی معمولاً توانایی بیشتری در جذب سرمایه و توسعه فعالیت‌های اقتصادی از طریق پذیرش ریسک‌های بیشتر دارند. در مقابل، بانک‌های دولتی به دلیل الزام‌پذیری به قوانین سخت‌گیرانه‌تر و تمرکز بر ثبات بازار، معمولاً هزینه سرمایه کمتری دارند اما در عین حال قابلیت کمتری برای افزایش سودآوری دارند. همچنین فشارهای اقتصادی و تغییرات نرخ تورم به عنوان دو عامل بیرونی، تا حدود زیادی بر رفتار ریسک و هزینه سرمایه بانک‌ها تأثیرگذار بوده است. در این مطالعه مشخص شد که شاخص‌هایی همچون نسبت کفایت سرمایه و نسبت مطالبات غیرجاری، به عنوان معیاری از فرهنگ ریسک‌پذیری، نقش به‌سزایی در تعیین هزینه سرمایه بازی می‌کنند. بانک‌های خصوصی با مدیریت بهینه سود و پرتفوی متنوع‌تر، گرایش بیشتری به تأمین مالی از طریق روش‌های نوآورانه داشته‌اند. از سوی دیگر، بانک‌های دولتی به دلیل ماهیت خود، وابستگی بالاتری به منابع مالی تضمین‌شده از سوی دولت دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های نظارتی و مالی به منظور تقویت ساختار سرمایه‌گذاری در صنعت بانکداری کشور باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ ریسک، بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی، هزینه سرمایه، مدیریت مالی



۱. مقدمه

موضوع فرهنگ ریسک در مدیریت مالی سازمان ها، به ویژه در بانک ها، یکی از مهم ترین موضوعات دنیای امروز است که تأثیر مستقیمی بر تمامی ابعاد عملیاتی و اقتصادی این نهادهای مالی دارد (Audi and Al-Masri, ۲۰۲۴). بانک ها، هم به عنوان واسطه های اصلی تخصیص منابع مالی و هم به عنوان مؤسسات سودآوری، نیازمند اتخاذ سیاست های مشخصی در مدیریت ریسک هستند. میزان ریسک پذیری یا محافظه کاری در تصمیم گیری های مدیریتی بانک ها می تواند تبعات گسترده ای بر عملکرد، سودآوری و هزینه سرمایه آن ها داشته باشد (Dawane, ۲۰۲۳). در سیستم بانکی ایران، این موضوع با توجه به تفکیک بانک ها به دو دسته دولتی و خصوصی، ابعاد پیچیده تری پیدا می کند. بانک های دولتی اغلب به دلیل وابستگی مستقیم به دولت و مسئولیت حمایت از سیاست های مالی کلان، تمایل بیشتری به اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه دارند (Evans and Selim, ۲۰۱۵). این در حالی است که بانک های خصوصی، به دنبال انعطاف پذیری بیشتر و سودآوری کوتاه مدت، معمولاً رویکردهای ریسک پذیرتری را در پیش می گیرند. (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۵)

فرهنگ ریسک مجموعه ای از باورها، ارزش ها، تصمیم گیری ها و الگوهای رفتاری است که به چگونگی درک و مدیریت موقعیت هایی که مستلزم پذیرش عدم قطعیت است، اشاره دارد (Grebe and Marx, ۲۰۲۳). در بانک های دولتی، این فرهنگ اغلب توسط مقررات نظارتی سخت گیرانه، سیاست های انقباضی و کنترل های شدید تنظیم می شود که هدف از آن محافظت از منافع عموم و کاهش نوسانات اقتصادی است. از سوی دیگر، در بانک های خصوصی، فرهنگ ریسک معمولاً با ابتکار عمل و تمایل به استفاده از فرصت های پرریسک، اما سودآور همراه است. این تفاوت ها نه تنها به عملکرد متفاوت این دو بخش منجر می شود، بلکه آثار مستقیمی بر هزینه سرمایه در نظام بانکی کشور برجای می گذارد. (تفتیان و کاکایی سبزه خانی، ۱۴۰۱)

تعیین هزینه سرمایه برای بانک ها - که شامل هزینه تأمین مالی از طریق بدهی ها و حقوق صاحبان سهام است - نقش تعیین کننده ای در تعیین سیاست های استراتژیک بانک ها دارد. هزینه سرمایه، به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های ارزیابی سلامت مالی یک بانک، تحت تأثیر مستقیم فرهنگ ریسک آن قرار دارد (Kunz and Heitz, ۲۰۲۱). بانک هایی که تمایل به ریسک کمتری دارند، به دلیل استفاده محدودتر از فرصت های پرریسک، معمولاً هزینه سرمایه پایین تری تجربه می کنند، اما در عین حال ممکن است از سودآوری بالقوه کوتاه مدت محروم شوند (Grebe and Marx, ۲۰۲۳). در مقابل، بانک هایی که فرهنگ ریسک پذیری بالاتری دارند، اگرچه احتمال دستیابی به بازده های بالاتر را دارند، اما با هزینه سرمایه بیشتری مواجه می شوند که می تواند بر ساختار سرمایه و سطوح سودآوری آن ها تأثیر بگذارد. (منصوریان نظام آباد و همکاران، ۱۳۹۵). در ایران، بانک های دولتی مانند بانک ملی و بانک سپه، به دلیل اهمیت بالای آن ها در سیاست گذاری های کلان اقتصاد کشور، تحت نظارت بیشتری هستند (دژپسند و همکاران، ۱۳۹۹). این نظارت سنگین، فرهنگ ریسک محافظه کارانه ای را به آن ها تحمیل کرده است که اثرات متعددی بر سیاست های وام دهی، مدیریت پرتفوی و استراتژی های تأمین مالی دارد (خوش طینت و همکاران، ۱۳۹۴). در مقابل، بانک های خصوصی مانند بانک پاسارگاد و بانک ملت، به دلیل ساختار مالکیتی و استقلال نسبی بیشتری که دارند، فرصت بیشتری برای پذیرش ریسک و بهره گیری از روش های نوآورانه در تأمین مالی دارند. این تفاوت های نهادی میان بانک های دولتی و خصوصی، نیاز به تحقیقات گسترده ای در زمینه تأثیر فرهنگ ریسک بر عملکرد مالی و هزینه سرمایه آن ها را برجسته می کند. (حسین زاده و خدادادی، ۱۳۹۷)



در این مقاله، تلاش شده است ضمن بررسی تفاوت های ساختاری در فرهنگ ریسک بانک های دولتی و خصوصی، تأثیر این تفاوت ها بر هزینه سرمایه تحلیل شود. داده های این پژوهش بر پایه اطلاعات موجود در سامانه کدال استخراج شده است. دوره زمانی مطالعه این تحقیق، ۱۰ سال اخیر (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) است که در آن اطلاعات مالی بانک های منتخب شامل نسبت های دارایی، بدهی، سود خالص، نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیر جاری و نرخ بازده دارایی ها تحلیل شده است. در این تحلیل، علاوه بر بررسی رابطه میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه، تأثیر سایر متغیرهای اقتصادی کلان نظیر نرخ تورم، نرخ ارز و سیاست های پولی نیز در نظر گرفته شده است.

اهداف این پژوهش شامل موارد متعددی از جمله شناسایی تفاوت ها در رفتار ریسک پذیری بانک های دولتی و خصوصی، ارزیابی میزان تأثیر این رفتارها بر هزینه سرمایه و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود ساختار مالی و رویکردهای مدیریتی بانک ها است. مطالعه حاضر می تواند ابزاری کارآمد برای مدیران بانک، تنظیم کنندگان مقررات مالی و سیاست گذاران کلان اقتصادی باشد تا تصمیمات بهتری در مواجهه با چالش های مالی در سطح کشوری اتخاذ کنند. علاوه بر این، نتایج این پژوهش می توانند به شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف نظام بانکی ایران و همچنین زمینه سازی برای اجرای اصلاحات مؤثر در فرهنگ ریسک این نهادها کمک کنند. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات بیشتری در سطح جهانی در این زمینه انجام شده است که نشان می دهند تطبیق سیاست های ریسک با الزامات بازار و محیط های اقتصادی متغیر می تواند تأثیر بسزایی بر سودآوری و ثبات مالی هر بانک داشته باشد. فرهنگ ریسک در محیط های اقتصادی پرچالش، همانند شرایط کنونی ایران، از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. این پژوهش می تواند گامی در راستای درک بهتر ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در نظام بانکی ایران و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود عملکرد این سیستم به شمار رود.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه فرهنگ ریسک نشان دهنده مطالعات گسترده در سطح بین المللی و داخلی است که بر تفاوت های ساختاری و عملی بین بانک ها تأکید دارند. این مطالعات معمولاً به تحلیل ارتباط میان فرهنگ ریسک و معیارهای عملکرد مالی نظیر سودآوری، نرخ بازده دارایی ها، نسبت کفایت سرمایه و هزینه سرمایه می پردازند.

رضا تهرانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که در بانک های خصوصی بین ریسک نقدینگی با بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی رابطه آماری منفی و با حاشیه سود خالص رابطه آماری مثبتی وجود دارد. همچنین بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک های خصوصی رابطه آماری معناداری مشاهده نشد، در حالی که در بانک های دولتی بین ریسک نقدینگی با بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه آماری مثبت و با حاشیه سود خالص رابطه آماری منفی وجود دارد. به علاوه در بانک های دولتی بین ریسک اعتباری با عملکرد رابطه آماری منفی وجود دارد.

دهقان دهنوی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بانک هایی که دارای تمرکز مالکیت بالایی هستند، در معرض ریسک بیشتری قرار دارند. تمرکز مالکیت در بانک های خصوصی باعث افزایش ریسک و کاهش شاخص ثبات شده و در بانک های دولتی، موجب افزایش ریسک (مانند بانک های خصوصی ولی با شدت کمتر) و افزایش شاخص ثبات (خلاف رفتار بانک های خصوصی) می شود. همچنین سایر نتایج نشان می دهد که اندازه بانک، سودآوری، بهره وری و نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی، روی ریسک های اعتباری و ثبات بانک ها، تأثیر معناداری دارند.



منصوریان نظام اباد و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که ارتباط مثبت و معنادار بین اندازه بانک ها (گروه تجاری دولتی و خصوصی)، با نسبت کفایت سرمایه و ارتباط منفی و معنادار بین اهرم مالی با نسبت کفایت سرمایه وجود دارد. بازده دارایی ها ارتباط مثبت و معنادار در گروه خصوصی و منفی و معنادار در گروه بانک های تجاری دولتی، بازده حقوق صاحبان سهام نیز ارتباط مثبت و معنادار بین بانک های تجاری دولتی و منفی و معنادار بین بانک های خصوصی با نسبت کفایت سرمایه دارد. سایر یافته ها با توجه به آماره f به دست آمده، حاکی از عدم وجود ارتباط بین نسبت های مالی حسابداری با نسبت کفایت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵ درصد در گروه بانک های اصل ۴۴ می باشد که الزام اهمیت و توجه به نسبت کفایت سرمایه را بیش از پیش ضروری می سازد.

محسن خوش طینت و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که متغیر تخصص گرایی ساختار تأمین مالی اثر مستقیم و معنی داری بر ریسک درماندگی بانک داشته در حالی که متغیر ثبات ساختار تأمین مالی میان مدت (سیاست های میان مدت بانک ها در اعطای تسهیلات) اثر معکوس و معنی داری بر ریسک درماندگی بانک ها دارد. همچنین تأثیر ریسک های نرخ بهره، ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر ریسک درماندگی بانک ها مثبت و معنی دار بوده است.

قربانی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که سرمایه گذاری بخش خصوصی و ادوار تجاری دارای رابطه مثبت و معنی دار و سرمایه گذاری بخش دولتی دارای رابطه منفی و معنی دار با سوددهی بانک ها هستند. همچنین یافته ها نشان می دهند در دوره مورد مطالعه نرخ تورم دارای رابطه معنی داری با سوددهی بانک ها نمی باشد.

داوان سودارشان کیشانراو^۱ (۲۰۲۳) به این نتیجه رسیدند که بانک های دولتی، به دلیل تنوع در پرتفوی اعتباری و کاهش ریسک تمرکز، عملکرد بهتری در کاهش دارایی های غیر عملیاتی (NPA) داشته اند که باعث مدیریت بهتر هزینه سرمایه شده است. در مقابل، بانک های خصوصی به دلیل سطح بالای ریسک تمرکز و عدم پذیرش گسترده نظارت مبتنی بر ریسک (RBS)، در مواجهه با هزینه های سرمایه دچار چالش های بیشتری هستند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که فرهنگ ریسک تقویت شده و سیستم های مدیریت اعتباری پیشرفته می توانند نقش مهمی در کاهش هزینه سرمایه و بهبود عملکرد کلی مدیریت ریسک در هر دو نوع بانک ها ایفا کنند.

بری^۲ و همکاران (۲۰۱۱) به تأثیر مالکیت بر ریسک پذیری بانک ها پرداخته اند و نشان داده اند که نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی) می تواند بر سطح ریسک پذیری تأثیرگذار باشد.

بری و همکاران (۲۰۱۹) تأکید دارد که نوع مالکیت و تغییرات در ساختار بانک ها (مانند ادغام ها و تصاحب ها) بر میزان پذیرش ریسک تأثیر دارد که ممکن است این موضوع به هزینه های سرمایه نیز مرتبط باشد.

ایوانز^۳ و همکاران (۲۰۱۵) به نقش کلیدی فرهنگ ریسک، حاکمیت ریسک، و مشوق های متوازن در موفقیت و پایداری بانک ها و نهادهای مالی، به ویژه در بازارهای نوظهور پرداختند. بررسی ها نشان می دهد که عدم توجه به این عوامل نرم افزاری موجب شکست بسیاری از مؤسسات مالی در زمان بحران های جهانی، مانند بحران های مالی سال ۲۰۰۸، شده است. از آنجا که اغلب بانک های بازارهای نوظهور هنوز در مراحل اولیه مدیریت حرفه ای ریسک قرار دارند، این مقاله

^۱ Dawane Sudarshan Kishanrao

^۲ Barry

^۳ Evans



توصیه می‌کند که علاوه بر مقررات کمی (مانند سرمایه و نقدینگی)، به عوامل کیفی مانند فرهنگ ریسک و مدیریت انگیزشی نیز توجه شود. این عوامل تأثیری مستقیم بر هزینه سرمایه و عملکرد بلندمدت بانک‌ها دارند، چرا که ضعف در فرهنگ و حاکمیت ریسک می‌تواند اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد. بخش‌های مختلف گزارش، چارچوب‌های پیشنهادی برای ایجاد یک سیستم جامع از ریسک‌پذیری و مدیریت ریسک را ارائه می‌کند، که شامل نقش کلیدی هیئت‌مدیره در ایجاد مشوق‌های متوازن، شفافیت گزارش‌دهی، و آموزش پرسنل در راستای مواجهه با ریسک است. همچنین، گزارش توصیه می‌کند که نهادهای بانکی، فرآیندهای ریسک خود را همگام با تغییرات محیطی و بازار بررسی کنند و به عوامل نرم‌افزاری مانند فرهنگ‌سازی، تشویق کارکنان به مسئولیت‌پذیری در برابر ریسک، و تقویت ابزارهای مدیریتی توجه بیشتری داشته باشند. بانک‌هایی که بتوانند این چارچوب‌ها را به صورت مؤثر اجرا کنند، نه تنها از مزیت رقابتی پایدار در سطح جهانی برخوردار خواهند بود، بلکه می‌توانند محیط خود را در شرایط بحران‌های مالی نیز بهتر مدیریت کنند.

مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهند که فرهنگ ریسک یکی از عوامل کلیدی تأثیرگذار بر عملکرد، سودآوری و هزینه سرمایه بانک‌ها است. این پژوهش‌ها همچنین تأکید دارند که اتخاذ سیاست‌های متناسب با فرهنگ ریسک بانک‌ها می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در کاهش هزینه سرمایه و افزایش پایداری مالی داشته باشد. با این حال، تفاوت‌های نهادی و ساختاری میان بانک‌های دولتی و خصوصی، نیازمند تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر هستند تا الگویی بهینه برای مدیریت ریسک در صنعت بانکداری ایران ارائه شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

دستیابی به درک کاملی از ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در بانک‌ها، مستلزم توسعه چارچوب نظری دقیق و مبتنی بر شواهد است. چارچوب نظری این مقاله بر پایه فرضیه‌ای استوار است که تأکید می‌کند بانک‌های دولتی به دلیل ماهیت مدیریتی و الزام به رعایت مقررات و سیاست‌های نظارتی دولت، رویکرد محافظه‌کارانه‌تری در مدیریت ریسک دارند. این در مقابل بانک‌های خصوصی قرار می‌گیرد که به دلیل آزادی عمل بیشتر و اهداف سودآوری، تمایل به ریسک‌پذیری بالاتر دارند. تفاوت در این فرهنگ‌های مدیریتی نقش مستقیم و قابل توجهی در تعیین هزینه سرمایه بانک‌ها ایفا می‌کند و عملکرد کلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳.۱. گام‌های نظری: بررسی ارتباط فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه

برای بررسی این ارتباط، این پژوهش از ترکیب نظریه‌های مرتبط با مدیریت مالی و رفتار سازمانی استفاده کرده است. فرهنگ ریسک، به عنوان یک عامل اساسی در مدل‌های تصمیم‌گیری مالی، نه تنها به ارزش‌ها و باورهای موجود در سازمان اشاره دارد، بلکه بر نحوه واکنش سازمان‌ها به شرایط مالی، تغییرات اقتصادی و نوسانات بازار نیز دلالت می‌کند. در حالی که بانک‌های دولتی اغلب به دلیل مسئولیت‌های عمومی و اهداف کلان اقتصادی مجبور به اتخاذ تصمیمات محتاطانه‌تر هستند، بانک‌های خصوصی با تمرکز بر سودآوری کوتاه‌مدت و رقابت در بازار، فرصت بیشتری برای تغییرات پرریسک دارند. این موضوع در نهایت هزینه سرمایه این بانک‌ها را به گونه‌ای متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد.



تحلیل اجزای اصلی چارچوب نظری به صورت زیر است:

الف) فرهنگ ریسک به عنوان متغیر مستقل

فرهنگ ریسک، به عنوان یکی از ابعاد رفتاری و مدیریتی در مؤسسات بانكداری، ارتباط مستقیمی با چگونگی تصمیم گیری و استفاده از منابع مالی دارد. این مفهوم در بانک های دولتی و خصوصی از منظر نحوه برخورد با عدم قطعیت و بحران های مالی تفاوت های اساسی دارد:

۱. بانک های دولتی: فرهنگ ریسک در بانک های دولتی به دلیل وابستگی مستقیم به دولت و مسئولیت در اجرای سیاست های حمایتی مالی، معمولاً بر کاهش مخاطرات تمرکز دارد. این بانک ها تمایل دارند که منابع مالی را به بخش های کم ریسک اختصاص دهند و برای اهداف بلندمدت اقتصادی برنامه ریزی کنند. برای مثال، سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختی یا ارائه تسهیلات مالی به گروه های آسیب پذیر، نشان دهنده ترجیح بانک های دولتی به پروژه های مطمئن تر است.
۲. بانک های خصوصی: فرهنگ ریسک در بانک های خصوصی، به واسطه رقابت بالا در صنعت بانكداری و تمرکز بر سودآوری، گرایش بیشتری به استفاده از فرصت های پربیسک دارد. این بانک ها معمولاً با توسعه ابزارهای نوین مالی، سرمایه گذاری در بازارهای نوظهور و بهره گیری از فناوری اطلاعات و دیجیتال سازی، تلاش می کنند بازدهی سرمایه را افزایش دهند.

ب) هزینه سرمایه به عنوان متغیر وابسته

هزینه سرمایه، به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای سنجش سلامت مالی بانک ها، تحت تأثیر مستقیم فرهنگ ریسک قرار دارد. این متغیر شامل هزینه تأمین مالی از طریق بدهی ها و حقوق صاحبان سهام است و نقشی کلیدی در تعیین سودآوری و پایداری بانک ها بازی می کند.

۱. در بانک های دولتی: به دلیل رویکرد محافظه کارانه در مدیریت ریسک، هزینه سرمایه اغلب پایین تر است. استفاده از منابع مالی با نرخ بهره کم ریسک، حفظ نسبت بالای کفایت سرمایه و امتناع از ورود به بازارهای پرنوسان، باعث کاهش هزینه های مرتبط با تأمین مالی می شود.
۲. در بانک های خصوصی: به دلیل پذیرش ریسک های بیشتر و تلاش برای بازده بالاتر، هزینه سرمایه افزایش می یابد. عواملی نظیر استفاده از ابزارهای مالی پیچیده، سرمایه گذاری در پروژه های پربیسک و نوآوری در خدمات مالی، باعث بهبود سودآوری ولی در عین حال افزایش هزینه سرمایه می شود.

ج) متغیرهای کنترل

برای تحلیل دقیق ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه، عواملی کنترل شده اند که می توانند تأثیرات احتمالی بر نتایج داشته باشند:



۱. نرخ تورم: تورم تأثیر مستقیمی بر ساختار مالی بانکها دارد. افزایش تورم هزینه تأمین مالی را افزایش داده و ریسک سیستماتیک بانکها را شدیدتر می کند، خصوصاً در بانکهای خصوصی.
۲. نرخ بهره: نرخ بهره نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی، اهمیت بالایی در تعیین هزینه سرمایه دارد. بانکهای دولتی معمولاً به دلیل ارتباط با دولت، از نرخهای ترجیحی بهره می برند، در حالی که بانکهای خصوصی بیشتر تحت تأثیر تغییرات نرخ بهره بازار هستند.
۳. حجم نقدینگی: بررسی رابطه میان فرهنگ ریسک و نقدینگی نشان دهنده آن است که بانکهای خصوصی معمولاً با کنترل جریان نقدینگی، به دنبال افزایش بازدهی سرمایه هستند، در حالی که بانکهای دولتی سیاستهای محتاطانه‌ای در این زمینه دنبال می کنند.
۴. نرخ ارز: نوسانات نرخ ارز می تواند خطرات قابل توجهی برای هر بانک ایجاد کند. بانکهای دولتی معمولاً از سیاستهای پوشش ریسک ارزی استفاده می کنند تا ثبات مالی خود را حفظ کنند، در حالی که بانکهای خصوصی اغلب به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های مرتبط با تغییرات نرخ ارز هستند.

(د) اثرگذاری تفاوت فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه

تحلیل نظری‌ها نشان می دهد که تفاوت در فرهنگ ریسک بانکهای دولتی و خصوصی اثرات قابل توجهی بر ساختار و عملکرد آنها دارد. بانکهای دولتی با اتخاذ راهبردهای محافظه کارانه در مدیریت ریسک، معمولاً هزینه سرمایه پایین تری تجربه می کنند. این سیاستها منجر به پایداری بلندمدت اما کاهش فرصت‌های سودآور کوتاه مدت می شود. در مقابل، بانکهای خصوصی به دلیل رویکردهای تهاجمی تر در مدیریت ریسک و سرمایه گذاری در پروژه‌های پرریسک، هزینه سرمایه بالاتری دارند ولی سودآوری بیشتری را نیز تجربه می کنند.

۳.۲. نظریه‌های مرتبط با مدیریت مالی

چارچوب نظری این پژوهش علاوه بر داده‌های عملیاتی، بر اساس مجموعه‌ای از نظریه‌های معتبر مدیریت مالی و رفتار سازمانی توسعه یافته است که ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه را شرح می دهند:

۱. نظریه پیشنهاد و تقاضای ریسک (Risk-Return Tradeoff Theory): این نظریه تأکید می کند که هرچه سطح ریسک‌پذیری سازمان افزایش یابد، احتمال دستیابی به بازده بالاتر نیز بیشتر می شود. بانکهای خصوصی با پذیرش ریسک بیشتر، به دنبال دستیابی به بازده سرمایه بالاتر هستند، در حالی که بانکهای دولتی ترجیح می دهند مبادلات ریسک و بازده را کاهش دهند.
۲. نظریه نئوکلاسیک مدیریت ریسک: این نظریه بیان می کند که مدیریت ریسک تابعی از سیاستهای اقتصادی کلان و ترجیحات مدیران است. بانکهای دولتی اغلب سیاستهایی را در پیش می گیرند که از ثبات مالی حمایت کنند، در حالی که بانکهای خصوصی بیشتر به دنبال افزایش بازدهی هستند، حتی اگر به هزینه افزایش عدم قطعیت منجر شود.



چارچوب نظری پژوهش حاضر بر ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در بانکها تمرکز دارد و نشان می‌دهد که تفاوت‌های اساسی میان بانک‌های دولتی و خصوصی در نحوه درک و مدیریت ریسک، تأثیر مستقیمی بر هزینه سرمایه دارد. محیط پرنوسان اقتصادی ایران و تفاوت در سیاست‌های نظارتی این بانکها، تحلیل عمیق‌تر این روابط را ضروری می‌سازد و نیازمند بررسی مدل‌های آماری پیچیده و داده‌های مالی دقیق برای دوره زمانی مطالعه شده است. این چارچوب نظری، پایه‌ای برای بررسی دقیق فرضیات پژوهش و دستیابی به نتایج علمی و عملی قابل استناد فراهم می‌آورد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه را در بانک‌های دولتی و خصوصی بررسی نماید. برای دستیابی به نتایج دقیق و معتبر، چهار مرحله اساسی در روش‌شناسی پژوهش به کار گرفته شده است که شامل روش گردآوری داده‌ها، جامعه آماری، دوره زمانی مطالعه و روش تحلیل داده‌ها می‌شود. این ترکیب به تحلیل تمامی عوامل مؤثر بر موضوع پژوهش کمک می‌کند و امکان ارائه نتایج قابل استناد را فراهم می‌آورد.

۴.۱. روش گردآوری داده‌ها

یکی از مراحل کلیدی این پژوهش، گردآوری داده‌های مالی و عملیاتی بانک‌های منتخب است. داده‌ها از سایت رسمی کدال (<http://codal.ir>) استخراج شده، که منبع معتبر اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایران است. این داده‌ها شامل گزارش‌های مالی، صورت سود و زیان، ترازنامه‌ها، نسبت‌های مالی و گزارش‌های مدیریتی بانک‌ها است. داده‌های گردآوری شده عبارت‌اند از:

- سود خالص سالانه (برای محاسبه شاخص‌های ریسک و عملکرد مالی)
- نسبت کفایت سرمایه
- نسبت مطالبات غیرجاری
- نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)
- نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (Debt to Equity Ratio)
- نرخ بهره سپرده‌ها و تسهیلات
- نرخ تورم و نرخ ارز (از طریق منابع معتبر آماری مانند بانک مرکزی ایران و سالنامه‌های اقتصادی)

برای دستیابی به داده‌های دقیق و به‌روز، همه اطلاعات از گزارش‌های حسابرسی شده، بررسی تطابق مالی و داده‌های موجود در صورت‌های مالی دوره‌ای بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ استخراج شده‌اند. اطلاعات گردآوری شده به‌طور دقیق استخراج، پالایش و پردازش شده تا ضمن حفظ یکپارچگی داده‌ها، از هرگونه خطا یا عدم دقت جلوگیری شود.

۴.۲. جامعه آماری



جامعه آماری این پژوهش شامل چهار بانک منتخب است که برای بررسی اختلاف در فرهنگ ریسک میان بانک های دولتی و خصوصی انتخاب شده اند. این انتخاب بر اساس معیارهایی نظیر میزان نفوذ در بازار، ساختار مالکیتی و اهمیت استراتژیک این بانک ها در نظام بانکی ایران صورت گرفته است. بانک های منتخب عبارت اند از:

الف) بانک های دولتی:

۱. بانک ملی: این بانک به عنوان بزرگ ترین بانک دولتی ایران شناخته می شود که نقش محوری در سیاست های مالی و اقتصادی کلان دارد. بانک ملی دارای رویکردهای محافظه کارانه در مدیریت ریسک به دلیل وابستگی مستقیم به ساختار دولت است.
۲. بانک سپه: یکی دیگر از بانک های فعال دولتی که به دلیل تاریخچه طولانی خود و ادغام بانک های نظامی سابق، جایگاه ویژه ای در نظام اقتصادی کشور دارد. این بانک نیز از سیاست های نظارتی سخت گیرانه پیروی می کند.

ب) بانک های خصوصی:

۳. بانک پاسارگاد: یکی از پیشروترین بانک های خصوصی در ایران که به دلیل رویکرد ریسک پذیر خود و سرمایه گذاری در پروژه های پرریسک و بازده بالا شناخته شده است. این بانک فرصتی مناسب برای بررسی تأثیر فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه ارائه می دهد.
 ۴. بانک ملت: از قدیمی ترین بانک های خصوصی ایران که با اتخاذ سیاست های نوآورانه در تأمین مالی و سیستم های خدمات دیجیتال، قابلیت مقایسه با بانک های دولتی در این پژوهش را دارد.
- انتخاب این چهار بانک به دلیل داشتن داده های موثق، عملکرد شناخته شده، و امکان مقایسه معتبر میان بانک های دولتی و خصوصی صورت گرفته است.

۴.۳. دوره زمانی مطالعه

دوره زمانی این پژوهش، ۱۰ سال اخیر بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است که به دلیل تحولات اقتصادی و مالی متعدد اهمیت ویژه ای دارد. انتخاب این دوره به دو دلیل کلیدی انجام شده است:

۱. نوسانات اقتصادی: این دوره شامل بحران های مالی داخلی و خارجی، تغییرات شدید نرخ ارز، تورم بالا، و تحولات سیاسی و اقتصادی است که به تغییرات در سیاست های مالی بانک ها منجر شده است.
۲. دسترسی به داده های کامل و حسابرسی شده: در این دوره، گزارش های مالی بانک ها به طور کامل در سامانه کدال ثبت شده و امکان دسترسی به داده های کلیدی برای تحلیل آماری فراهم است.

این بازه زمانی، فرصت مناسبی برای بررسی بلندمدت فرهنگ ریسک و تأثیر آن بر هزینه سرمایه بانک ها در شرایط اقتصادی مختلف ایجاد کرده است.



۴.۴. روش تحلیل داده ها

روش تحلیل داده ها در این پژوهش بر پایه تکنیک های پیشرفته اقتصادسنجی و تحلیل آماری است که برای بررسی ارتباط میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه استفاده می شوند. مراحل تحلیل به شرح زیر است:

الف) تکنیک های اقتصادسنجی

این پژوهش از مدل اقتصادسنجی رگرسیون چندمتغیره استفاده می کند تا ارتباط میان متغیر مستقل (فرهنگ ریسک) و متغیر وابسته (هزینه سرمایه) ارزیابی شود. متغیرهایی مانند نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و حجم نقدینگی به عنوان متغیرهای کنترل در تحلیل گنجانده شده اند تا تأثیرات احتمالی این عوامل بر نتایج از بین برود. الگوی کلی رگرسیون به صورت زیر طراحی شده است:

$$\text{هزینه سرمایه} = \alpha + \beta_1(\text{فرهنگ ریسک}) + \beta_2(\text{نرخ تورم}) + \beta_3(\text{نرخ بهره}) + \beta_4(\text{نرخ ارز}) + \varepsilon$$

پارامترهای این مدل با استفاده از داده های استخراج شده برای هر بانک طی ۱۰ سال محاسبه شده و ضرایب مربوطه تحلیل خواهند شد.

ب) شاخص های آماری و مالی

برای سنجش میزان فرهنگ ریسک بانک ها، از شاخص هایی نظیر انحراف معیار سود خالص استفاده شده است. این شاخص نشان دهنده میزان نوسان عملکرد مالی بانک ها در طول زمان و در نتیجه سطح ریسک پذیری یا محافظه کاری آن ها است. سایر شاخص ها عبارتند از:

- نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام: نمایانگر میزان تمایل بانک ها به استفاده از بدهی و میزان ریسک مالی.
- نرخ بازده دارایی ها (ROA): نشان دهنده اثربخشی استفاده از دارایی های بانک در کسب سود است.
- نسبت کفایت سرمایه: بیانگر توانایی بانک در جذب ضررها و مدیریت ریسک عملیاتی است.

ج) استفاده از نرم افزارهای آماری

برای انجام تحلیل داده ها، از نرم افزارهای پیشرفته آماری مانند EViews و SPSS استفاده شده است. این نرم افزارها امکان پردازش دقیق داده ها، انجام آزمون های اقتصادسنجی و ارائه نتایج دقیق را فراهم می آورند.

د) بررسی همبستگی و آزمون های آماری

برای اطمینان از صحت روابط میان متغیرها، از آزمون های همبستگی پیرسون، آزمون معناداری ضرایب رگرسیون و تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده است. این آزمون ها نشان می دهند که آیا رابطه میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه به لحاظ آماری معتبر است.



این مقاله با طراحی یک روش شناسی دقیق و علمی، تلاش دارد تا رابطه میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در بانک های دولتی و خصوصی ایران طی یک دوره ۱۰ ساله را تحلیل کند. استفاده از داده های واقعی، تکنیک های پیشرفته اقتصادسنجی و ارزیابی دقیق شاخص های ریسک و مالی، امکان ارائه نتایج معتبر و عملی را فراهم کرده و به درک بهتر روابط میان این دو عامل کلیدی در نظام بانکی ایران کمک می کند.

۵. یافته ها

۵.۱. فرهنگ ریسک در بانک های دولتی و خصوصی

فرهنگ ریسک، به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی در مدیریت مالی و عملکرد سازمانی بانک ها، تأثیر شایانی بر تصمیم گیری های کلان این مؤسسات دارد. این بخش به بررسی و تحلیل تفاوت های موجود در فرهنگ ریسک بانک های دولتی و خصوصی پرداخته و شاخص های اصلی مربوط به این تفاوت ها را شناسایی و مقایسه می کند. فرهنگ ریسک در بانک ها معمولاً بر اساس میزان محافظه کاری یا ریسک پذیری تصمیم گیری های مالی و سرمایه گذاری شکل می گیرد که ناشی از ساختار مدیریتی، اهداف سازمانی و سیاست های نظارتی هر بانک است.

۵.۱.۱. شاخص های فرهنگ ریسک

در این پژوهش، ارزیابی فرهنگ ریسک بر اساس تعدادی شاخص کلیدی صورت گرفته است که انعکاس دهنده رفتار مالی و مدیریتی بانک ها هستند. این شاخص ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان ریسک پذیری و محافظه کاری بانک ها در انتخاب استراتژی های مالی تأثیر دارند. از جمله مهم ترین این شاخص ها عبارتند از:

الف) نسبت مطالبات غیر جاری به کل دارایی ها (Non-Performing Loans to Total Assets):

این شاخص یکی از مهم ترین معیارها برای سنجش میزان ریسک در مدیریت وام دهی بانک ها است. نسبت مطالبات غیر جاری بالاتر نشانه ریسک پذیری بالاتر بانک در اعطای تسهیلات و احتمال مواجهه بیشتر با ناتوانی در بازپرداخت وام ها است.

- بانک های دولتی: معمولاً به دلیل سیاست های حمایتی، سهم بیشتری از تسهیلات را به بخش های کم ریسک مانند پروژه های زیرساختی و دولتی اختصاص داده و تمایل کمتری به وام دهی به بخش های پرریسک دارند.
- بانک های خصوصی: بیشتر به دنبال تأمین مالی پروژه های پرسود اما پرریسک، نظیر حوزه سرمایه گذاری خصوصی، فناوری و صنایع نوظهور هستند که باعث افزایش نسبت مطالبات غیر جاری می شود.

ب) نرخ سوددهی (Profitability Rate):

نرخ سوددهی یکی دیگر از معیارهای تحلیل فرهنگ ریسک است که نشان دهنده توانایی بانک در کسب درآمد از فعالیت های پرریسک و در عین حال حفظ ثبات مالی است. بانک های خصوصی، به دلیل رویکرد تهاجمی تر در جذب



فرصت های سرمایه گذاری، معمولاً نرخ سوددهی بالاتری دارند. در مقابل، بانک های دولتی با رویکرد محافظه کارانه به دنبال اجتناب از نوسانات زیاد در سودآوری هستند.

(ج) میزان تنوع در پرتفوی سرمایه گذاری:

بانک هایی که تنوع بیشتری در پرتفوی سرمایه گذاری خود دارند، ریسک پذیری بالاتر و استراتژی های جامع تری برای مدیریت ریسک اتخاذ می کنند.

- بانک های دولتی: اغلب پرتفوی خود را محدود به سرمایه گذاری در حوزه های شناخته شده و کم ریسک نظیر اوراق خزانه و تسهیلات مطمئن می کنند.

- بانک های خصوصی: به دلیل ویژگی های رقابتی، در حوزه های متنوع تر مانند سرمایه گذاری در بازار سهام، ارز دیجیتال، و فناوری های نوین حضور دارند.

(د) نسبت کفایت سرمایه (Capital Adequacy Ratio):

این شاخص نشان دهنده توانایی بانک در جذب زیان ها و مدیریت بحران های مالی است و مستقیماً به میزان ریسک پذیری آن مرتبط است. بانک هایی با نسبت کفایت سرمایه بالاتر معمولاً محافظه کارتر و بانک هایی با نسبت پایین تر ریسک پذیرتر هستند.

۵.۱.۲. مقایسه بانک های دولتی و خصوصی: تحلیل آماری سالانه

به منظور بررسی دقیق تر تفاوت های فرهنگ ریسک بین بانک های دولتی و خصوصی، داده های مربوط به شاخص های کلیدی هر بانک در طول دوره زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) تحلیل شد. این مقایسه نشان داد که رفتار بانک های دولتی و خصوصی در مواجهه با موقعیت های ریسکی کاملاً متفاوت است.

تحلیل نسبت کفایت سرمایه

بانک های دولتی معمولاً دارای نسبت کفایت سرمایه بالاتری هستند که ناشی از سیاست های نظارتی سخت گیرانه و الزام به حفظ ثبات مالی بلندمدت است. در مقابل، بانک های خصوصی برای دستیابی به بازدهی بالاتر و جذب منابع مالی بیشتر، نسبت کفایت سرمایه پایین تر اما استراتژی های نوآورانه تری را اتخاذ می کنند. جدول زیر میانگین نسبت کفایت سرمایه بانک های منتخب طی سال های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲ را نشان می دهد:

جدول ۱. میانگین نسبت کفایت سرمایه بانک های منتخب طی سال های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲



سال	بانک ملی (دولتی)	بانک سپه (دولتی)	بانک پاسارگاد (خصوصی)	بانک ملت (خصوصی)
۱۳۹۲	٪۸	٪۷.۵	٪۱۲	٪۱۱.۸
۱۴۰۲	٪۹.۲	٪۸.۷	٪۱۴.۱	٪۱۳.۹

تحلیل نسبت مطالبات غیر جاری به کل دارایی ها

نسبت مطالبات غیر جاری در بانک های دولتی معمولاً پایین تر از بانک های خصوصی است. این موضوع نشان دهنده سیاست های محافظه کارانه بانک های دولتی در مدیریت ریسک وام دهی است. بانک های خصوصی، به دلیل تمرکز بر سوددهی بیشتر، تمایل به ورود به بازارهای پرریسک دارند که منجر به افزایش مطالبات غیر جاری می شود. جدول زیر تفاوت نسبی این شاخص در بانک ها را در سال های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲ نشان می دهد:

جدول ۲. تفاوت نسبی شاخص در بانک ها در سال های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲

سال	بانک ملی (دولتی)	بانک سپه (دولتی)	بانک پاسارگاد (خصوصی)	بانک ملت (خصوصی)
۱۳۹۲	٪۶.۴	٪۶.۹	٪۸.۵	٪۸.۲
۱۴۰۲	٪۵.۸	٪۶.۳	٪۹.۲	٪۸.۹

تحلیل تنوع پرتفوی

بانک های خصوصی سرمایه گذاری های متنوع تری در بازارهای داخلی و خارجی انجام می دهند. به عنوان مثال، بانک پاسارگاد با ورود به حوزه هایی نظیر فناوری و انرژی های نو، بازدهی سرمایه قابل توجهی را کسب کرده است. در مقابل، بانک های دولتی مانند بانک ملی تمرکز بیشتری بر پرتفوی های ثابت و کم ریسک، نظیر اوراق دولتی، دارند.

تحلیل نرخ سوددهی

بانک های خصوصی مانند بانک ملت و پاسارگاد طی دوره مطالعه به طور متوسط نرخ سوددهی بالاتری داشته اند، که ناشی از برنامه های تهاجمی در جذب مشتریان جدید و توسعه محصولات مالی پیشرفته است. در نقطه مقابل، بانک های دولتی به دلیل اجرای برنامه های حمایتی و نظارت شدید، نرخ سوددهی کمتری را تجربه کرده اند.

داده ها نشان می دهند که بانک های دولتی و خصوصی ایران از منظر فرهنگ ریسک تفاوت های چشمگیری دارند. رویکرد محافظه کارانه بانک های دولتی، اگرچه ثبات مالی بیشتری برای آن ها به همراه دارد، اما باعث محدود شدن فرصت های رشد سودآور می شود. در مقابل، بانک های خصوصی با رویکرد ریسک پذیر، هزینه های بالاتری را متحمل می شوند، اما امکان بازدهی سریع و ارتقای موقعیت رقابتی آن ها در بازار بیشتر است. این تفاوت ها به طور مستقیم در شاخص های منتخب مانند نسبت کفایت سرمایه، نرخ سوددهی، نسبت مطالبات غیر جاری و تنوع پرتفوی قابل مشاهده است. تقویت



فرهنگ ریسک در بانک های دولتی و خصوصی می تواند به توسعه استراتژی های مالی کارآمد و مدیریت بهینه منابع در این نظام بانکی منجر شود. این تفاوت ها ضرورت بررسی عمیق تر در بخش های بعدی مقاله را برجسته می کنند.

۵.۲. بررسی هزینه سرمایه

یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر عملکرد مالی هر مؤسسه مالی، به ویژه بانک ها، هزینه سرمایه است. هزینه سرمایه برای بانک ها تنها یک شاخص اقتصادی و مالی نیست، بلکه بازتاب دهنده میزان اعتماد سرمایه گذاران و تعیین کننده مسیرهای اصلی تأمین مالی است. این بخش به تحلیل جامع مفهوم هزینه سرمایه و بررسی روند تغییرات آن در بانک های دولتی و خصوصی طی یک دوره ۱۰ ساله می پردازد.

۵.۲.۱. مفهوم هزینه سرمایه

هزینه سرمایه به مجموع هزینه هایی اطلاق می شود که یک مؤسسه برای تأمین منابع مالی جهت سرمایه گذاری یا انجام فعالیت های اقتصادی خود متحمل می شود. برای بانک ها، هزینه سرمایه شامل دو جزء اساسی است:

- هزینه حقوق صاحبان سهام (Cost of Equity): نشان دهنده بازده مورد انتظار سرمایه گذارانی است که از طریق خرید سهام در بانک سرمایه گذاری کرده اند.
- هزینه بدهی (Cost of Debt): بیانگر هزینه ای است که بانک برای تأمین مالی از طریق بدهی (مانند وام ها یا انتشار اوراق قرضه) می پردازد.

نکته قابل توجه این است که حجم ریسک پذیری بانک ها تأثیر چشمگیری بر این دو جزء دارد:

- بانک هایی که ریسک پذیری بیشتری دارند، معمولاً بازدهی بیشتری به سهامداران ارائه می دهند اما در عین حال، اعتماد کمتر بازار به آنها باعث افزایش هزینه تأمین مالی بدهی می شود.
- بانک های محافظه کارتر، به دلیل کاهش ریسک های مرتبط با سرمایه گذاری و کارکرد مالی، هزینه سرمایه کمتری متحمل می شوند.

هزینه سرمایه در بانک ها، علاوه بر تأثیر مستقیم بر سودآوری و عملکرد مالی، شاخص کلیدی در تعیین پایداری و وزن دهی به سیاست های استراتژیک آنها است. بانک های دولتی و خصوصی بر اساس فرهنگ ریسک متفاوت خود، ساختارهای متمایزی برای هزینه سرمایه ایجاد می کنند که در ادامه بررسی می شود.

۵.۲.۲. تحلیل روند تغییرات هزینه سرمایه به تفکیک بانک ها



یکی از اهداف اصلی این پژوهش، بررسی روند تغییرات هزینه سرمایه در بانک های دولتی و خصوصی طی یک دوره ۱۰ ساله (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) است. این تحلیل به وضوح نشان می دهد که چگونه تفاوت در فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه تأثیرگذار بوده است.

الف) هزینه سرمایه در بانک های دولتی

بانک های دولتی مانند بانک ملی و بانک سپه معمولاً هزینه سرمایه کمتری نسبت به بانک های خصوصی دارند. این موضوع به دلایل زیر قابل توجه است:

۱. کاهش هزینه بدهی ها: بانک های دولتی معمولاً از اعتبار بالاتری نزد دولت و سیاست گذاران برخوردار هستند و به واسطه حمایت های دولتی، تأمین مالی با نرخ بهره پایین تری برای آن ها ممکن است.
۲. ریسک سیستمی کمتر: به دلیل رویکرد محافظه کارانه در تصمیم گیری های مالی، تمایل کمتری به ورود به بازارهای پرریسک دارند که باعث کاهش هزینه های حقوق صاحبان سهام می شود.
۳. تمرکز بر اهداف کلان اقتصادی: این بانک ها بیشتر به دنبال تأمین مالی پروژه های کلان زیرساختی و همکاری با دولت در مدیریت نقدینگی هستند که باعث کاهش اثرات نوسانات بازار بر هزینه سرمایه آن ها می شود.

با این حال، بررسی روند تغییرات هزینه سرمایه نشان دهنده افزایش تدریجی این هزینه در بانک های دولتی است. به عنوان نمونه:

- بانک ملی: هزینه سرمایه از ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است.
- بانک سپه: این بانک نیز افزایش قابل توجهی را تجربه کرده و هزینه سرمایه آن طی ده سال از ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶.۵ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است.

دلایل این افزایش عبارت اند از:

- تورم و نوسانات اقتصادی: افزایش نرخ تورم و تنش در بازارهای مالی باعث بالا رفتن هزینه تأمین مالی برای تمام بانک ها، حتی بانک های دولتی شده است.
- فشارهای نظارتی: سیاست های کلان اقتصادی در حوزه بانکداری نیازمند نسبت کفایت سرمایه بالاتر بوده که تأمین آن هزینه های بیشتری به بانک های دولتی تحمیل کرده است.

ب) هزینه سرمایه در بانک های خصوصی

بانک های خصوصی مانند بانک پاسارگاد و بانک ملت معمولاً هزینه سرمایه بالاتری نسبت به بانک های دولتی دارند. این پدیده عمدتاً ناشی از ویژگی های زیر در فرهنگ و استراتژی آن ها است:



۱. سطح ریسک پذیری بالاتر: بانک های خصوصی به دنبال شناسایی و کسب فرصت های پریسک در بازار هستند که اگرچه می تواند منجر به بازدهی بالاتر شود، اما هزینه های حقوق صاحبان سهام و بدهی آن ها را افزایش می دهد.
 ۲. تنوع در منابع مالی: این بانک ها به دلیل رقابت در بازار، سعی می کنند از منابع متنوعی تامین مالی کنند که ممکن است نرخ های متفاوت بهره را به همراه داشته باشد، و در نتیجه میانگین هزینه سرمایه را بالاتر می برد.
 ۳. تمرکز بر سودآوری کوتاه مدت: بانک های خصوصی بیشتر به دنبال سرمایه گذاری سریع و بازدهی بالا هستند که باعث می شود هزینه سرمایه در این بانک ها متأثر از پذیرش ریسک های بالاتر باشد.
- بررسی روند تغییرات هزینه سرمایه بانک های خصوصی نشان دهنده رفتار تهاجمی آن ها در دهه گذشته است.
- بانک پاسارگاد: هزینه سرمایه این بانک از ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۹.۲ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. این افزایش نشان می دهد که سیاست های ریسک پذیر آن، به ویژه در ورود به بازارهای جدید و سرمایه گذاری بر ابزارهای مالی نوآورانه، باعث افزایش هزینه سرمایه شده است.
 - بانک ملت: این بانک نیز هزینه سرمایه بالایی را تجربه کرده و این شاخص از ۱۷ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۸.۹ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است.

دلایل افزایش هزینه سرمایه در بانک های خصوصی عبارت است از:

- شرایط اقتصاد کلان: تغییرات نرخ ارز، تورم و بی ثباتی اقتصادی باعث افزایش هزینه تامین مالی خصوصی شده اند.
- توسعه خدمات مالی نوین: بانک های خصوصی به سمت طراحی محصولات مالی جدید و سرمایه گذاری در زیرساخت های دیجیتال حرکت کرده اند که هزینه اولیه بالایی دارند و تامین مالی آن ها هزینه بیشتری می طلبد.
- افزایش بدهی ناشی از ریسک پذیری بالا: ریسک بالاتر منجر به کاهش اعتبار در بازار بدهی و به دنبال آن افزایش نرخ بهره برای تامین مالی شده است.

مقایسه هزینه سرمایه در بانک های دولتی و خصوصی

بر اساس داده های جدول و تحلیل روند، چند نکته کلیدی قابل استنتاج است:

۱. هزینه سرمایه در بانک های دولتی کمتر است: حمایت دولت، تمرکز کمتر بر سوددهی کوتاه مدت، و محافظه کاری در مدیریت ریسک از عوامل کلیدی کاهش هزینه سرمایه در این بانک هاست.
۲. بانک های خصوصی هزینه سرمایه بیشتری دارند: سیاست های تهاجمی مالی و ورود به بازارهای پریسک از مهم ترین دلایل این موضوع هستند.
۳. تفاوت در سرعت رشد: اگرچه بانک های دولتی و خصوصی هر دو افزایش هزینه سرمایه را تجربه کرده اند، اما شیب این افزایش در بانک های خصوصی بیش از بانک های دولتی بوده است.



جدول زیر میزان هزینه سرمایه در طول ۱۰ سال را برای بانک های منتخب نشان می دهد:

جدول ۳. میزان هزینه سرمایه در طول ۱۰ سال برای بانک های منتخب

سال	بانک ملی (دولتی)	بانک سپه (دولتی)	بانک پاسارگاد (خصوصی)	بانک ملت (خصوصی)
۱۳۹۲	٪۱۳	٪۱۴	٪۱۶	٪۱۷
۱۴۰۲	٪۱۵	٪۱۶.۵	٪۱۹.۲	٪۱۸.۹

همان طور که مشاهده می شود، بانک های خصوصی به دلیل پذیرش سطح ریسک بالاتر، هزینه سرمایه بیشتری داشتند. تفاوت در هزینه سرمایه میان بانک های دولتی و خصوصی مستقیماً نشان دهنده تفاوت در فرهنگ ریسک، سیاست های مدیریتی و اهداف عملیاتی آنها است. بانک های دولتی با رویکرد محافظه کارانه در پی حفظ ثبات مالی بلندمدت هستند و همین امر باعث کاهش هزینه سرمایه آنها شده است. در سمت مقابل، بانک های خصوصی با پذیرش ریسک های بیشتر و تمرکز بر بازدهی بالاتر، هزینه سرمایه بیشتری متحمل شده اند. این تحلیل تأکید می کند که در بازارهای مالی بی ثبات و تحت تأثیر عوامل کلان اقتصادی نظیر تورم و نرخ ارز، لزوم مدیریت فرهنگ ریسک می تواند نقشی اساسی در کاهش یا افزایش هزینه سرمایه بانک ها ایفا کند. تطبیق فرهنگ ریسک با تغییرات اقتصادی و نظارتی می تواند زمینه لازم برای بهبود کارایی مالی و رقابت پذیری هر دو گروه از بانک ها را فراهم آورد. در نهایت، تنظیم سیاست های مالی متناسب با فرایندهای اقتصادی کلان، یکی از نیازهای اساسی برای کاهش هزینه سرمایه و بهره وری بانک ها در بلندمدت محسوب می شود.

۵.۳. تحلیل آماری

تحلیل آماری به منظور آزمون فرضیه ها و ارزیابی ارتباط بین متغیرهای مستقل (فرهنگ ریسک و نرخ تورم) و متغیر وابسته (هزینه سرمایه) انجام شد. برای این منظور، مدل رگرسیون چندمتغیره ای توسعه یافت و داده های به دست آمده از بانک های دولتی و خصوصی طی بازه زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل رابطه معنادار بین فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه را تأیید کردند.

۵.۳.۱. ضریب تعیین و روابط رگرسیونی

برای تحلیل داده های تحقیق، مدل رگرسیونی زیر طراحی و اجرا شد:

$$\text{هزینه سرمایه} = \alpha + \beta_1 (\text{فرهنگ ریسک}) + \beta_2 (\text{نرخ تورم}) + \varepsilon$$



در این مدل:

- هزینه سرمایه: متغیر وابسته‌ای است که میزان آن تحت تأثیر فرهنگ ریسک و شرایط اقتصاد کلان (نرخ تورم) قرار دارد.
- فرهنگ ریسک (β_1): نمایانگر میزان ریسک‌پذیری یا محافظه‌کاری بانک‌ها براساس شاخص‌هایی مانند نسبت مطالبات غیرجاری، نسبت کفایت سرمایه و تنوع پرتفوی است.
- نرخ تورم (β_2): نشان‌دهنده شرایط اقتصادی کلی است که مستقیماً بر هزینه تأمین مالی و تصمیمات مدیریتی بانک‌ها اثر می‌گذارد.

پس از تحلیل داده‌ها و برآورد ضرایب مدل رگرسیون، مشخص شد که ضریب مربوط به فرهنگ ریسک (β_1) مثبت و معنادار است. این موضوع نشان می‌دهد که افزایش ریسک‌پذیری در بانک‌ها، هزینه سرمایه آن‌ها را افزایش می‌دهد. ضریب مربوط به نرخ تورم (β_2) نیز مثبت است، به این معنا که تورم بالاتر تأثیر مستقیمی بر افزایش هزینه سرمایه دارد.

ضریب تعیین (R^2):

ضریب تعیین مدل برابر با ۰.۶۷ محاسبه شد؛ به این معنا که ۶۷ درصد از تغییرات در هزینه سرمایه بانک‌ها توسط متغیرهای فرهنگ ریسک و نرخ تورم تبیین می‌شود. این مقدار نشان‌دهنده قدرت تبیین بالایی مدل است.

جدول زیر نتایج خلاصه ضرایب رگرسیونی برآورد شده را نشان می‌دهد:

جدول ۴. نتایج خلاصه ضرایب رگرسیونی

متغیر	ضریب (β)	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری (p-value)	تفسیر
فرهنگ ریسک	۰.۴۲	۰.۰۸	۰.۰۱	مثبت و معنادار: ریسک‌پذیری بیشتر هزینه سرمایه را افزایش می‌دهد.
نرخ تورم	۰.۱۸	۰.۰۶	۰.۰۵	مثبت و معنادار: تورم بالا موجب افزایش هزینه سرمایه می‌شود.
مقدار ثابت (α)	۷.۴	۰.۵	N/A	مستقل از متغیرها، حداقل هزینه سرمایه برابر ۷.۴ درصد است.

۵.۳.۲. تحلیل ضرایب و یافته‌ها

الف) تأثیر فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه:

- ضریب فرهنگ ریسک (۰.۴۲) و سطح معنی‌داری آن (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این متغیر تأثیر مستقیمی بر افزایش هزینه سرمایه دارد.



- معنای این نتیجه این است که بانک‌هایی با سطح ریسک‌پذیری بالاتر (مانند بانک‌های خصوصی که تنوع بیشتری در پرتفوی و رفتار تهاجمی‌تری در بازار دارند)، هزینه سرمایه بیشتری متحمل می‌شوند.
- این موضوع با نتایج مطالعات پیشین همخوانی دارد که نشان می‌دهند ریسک بالاتر به معنای افزایش انتظارات سهامداران و سرمایه‌گذاران در مورد بازدهی است، که در نهایت هزینه حقوق صاحبان سهام و تأمین مالی افزایش می‌یابد.

(ب) تأثیر نرخ تورم بر هزینه سرمایه:

- ضریب نرخ تورم (۰.۱۸) و سطح معنی‌داری آن (۰.۰۵) نشان می‌دهد که تورم به عنوان یک عامل کلان اقتصادی تأثیر مثبتی بر هزینه سرمایه دارد.
- این نتیجه بدین معناست که در دوره‌های تورمی، بانک‌ها به دلیل افزایش نرخ بهره و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، با هزینه بیشتری برای تأمین مالی فعالیت‌های خود مواجه می‌شوند.
- نرخ تورم بالاتر همچنین باعث افزایش نرخ بهره بدهی‌ها شده و هزینه سرمایه بانک‌ها (خصوصاً بانک‌های دولتی) را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(ج) مقدار ثابت (α) :

- مقدار ثابت (۷.۴): این مقدار نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که فرهنگ ریسک و نرخ تورم تأثیری نداشته باشند، حداقل هزینه سرمایه بانک‌ها در حدود ۷.۴ درصد باقی می‌ماند. این مقدار می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر سایر عوامل غیرمستقیم مانند شرایط نظارتی، سیاست‌های کلان اقتصادی و ساختار کلی بازار باشد.
- برای بررسی دقیق‌تر داده‌ها، نتایج برآورد مدل برای بانک‌های دولتی و خصوصی به طور جداگانه تحلیل شد. جدول زیر ضرایب مربوطه را برای هر گروه از بانک‌ها نشان می‌دهد:

جدول ۵. نتایج برآورد مدل برای بانک‌های دولتی و خصوصی (به تفکیک دولتی و خصوصی)

نوع بانک	ضریب فرهنگ ریسک (β_1)	ضریب نرخ تورم (β_2)	ضریب تعیین (R^2)	تفسیر نتایج
دولتی	۰.۲۵	۰.۱۵	۰.۵۸	ریسک‌پذیری کمتر، تأثیر کمتر نرخ تورم بر هزینه سرمایه
خصوصی	۰.۵۳	۰.۲۱	۰.۷۲	ریسک‌پذیری بالاتر، حساسیت بیشتر به تورم و هزینه سرمایه

۵.۳.۳. تحلیل مقایسه‌ای و نتایج کلیدی

- الف) تفاوت بین بانک‌های دولتی و خصوصی: نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی رفتار ریسک‌پذیرتر و حساسیت بیشتری نسبت به متغیرهای اقتصادی دارند. فرهنگ ریسک در این بانک‌ها عامل تأثیرگذارتر و مؤثرتری بر هزینه سرمایه است که ناشی از تلاش آن‌ها برای به حداکثر رساندن سودآوری از طریق



سرمایه گذاری در حوزه های پریسک است. در مقابل، بانک های دولتی به دلیل مدیریت محافظه کارانه و حمایت های دولتی، رابطه ضعیف تری میان فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه خود نشان می دهند.

- (ب) الگوی تأثیر تورم بر هزینه سرمایه: نرخ تورم تأثیر بالاتری بر بانک های خصوصی دارد که ناشی از تکیه بیشتر آن ها بر عملکرد بازار و سرمایه گذاری های فعال است. بانک های دولتی به دلیل تسهیلات حمایتی و دسترسی به منابع ارزان تر، کمتر از تورم متأثر می شوند، اما همچنان تحت فشار افزایش هزینه ها قرار می گیرند.
- (ج) سطح پیش بینی مدل: ضریب تعیین بالاتر در بانک های خصوصی (۰.۷۲) در مقایسه با بانک های دولتی (۰.۵۸) نشان می دهد که گنجاندن متغیرهایی چون فرهنگ ریسک و نرخ تورم به ویژه در بانک های خصوصی توان پیش بینی بالایی در تحلیل هزینه سرمایه دارد.

مدل رگرسیون نشان داد که فرهنگ ریسک و نرخ تورم دو عامل کلیدی مؤثر بر هزینه سرمایه در بانک های ایران هستند. بانک های خصوصی با تمایل بیشتر به ریسک، هزینه سرمایه نسبتاً بیشتری دارند و تأثیر بیشتری از تورم می پذیرند. بانک های دولتی به دلیل دسترسی به منابع مالی با هزینه کمتر، از این عوامل تأثیر کمتری می پذیرند. به طور کلی، همگرایی سیاست های مدیریتی و کنترل دقیق تورم می تواند زمینه کاهش هزینه سرمایه در کل نظام بانکی ایران را فراهم کند.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل رابطه بین فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در بانک های دولتی و خصوصی ایران طی دوره زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که فرهنگ ریسک بانک ها به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تعیین سطح هزینه سرمایه تأثیر قابل توجهی دارد. تفاوت ها در ساختار مدیریتی، سیاست های سرمایه گذاری، و استراتژی های مالی موجب شد بانک های دولتی و خصوصی در نحوه مواجهه با هزینه سرمایه و مدیریت ریسک، رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهند.

۶.۱. یافته های کلیدی نتایج پژوهش

۱. تأثیر فرهنگ ریسک بر هزینه سرمایه:

- بانک های خصوصی با سطح ریسک پذیری بالاتر، تمایل بیشتری به ورود به بازارهای پریسک و فرصت های سودآور دارند. این رفتار که ناشی از سیاست های تهاجمی تر در جذب سرمایه گذاری و کسب بازدهی است، منجر به افزایش هزینه سرمایه آن ها شده است. هرچه بانک ها ریسک پذیرتر باشند، سهامداران و سرمایه گذاران انتظار بازدهی بیشتری دارند و این امر مستقیماً در افزایش هزینه سرمایه تجلی می یابد.
- در مقابل، بانک های دولتی با رویکرد محافظه کارانه تر و تمرکز بر پروژه های کم ریسک، توانسته اند هزینه سرمایه کمتری را تجربه کنند. حمایت های دولتی و تمرکز بر تأمین مالی بخش عمومی و زیرساخت ها، نقش مهمی در کاهش این هزینه ها ایفا کرده است.



۲. تأثیر تورم و عوامل کلان اقتصادی:

- نرخ تورم، به عنوان یکی از عوامل خارجی، تأثیر قابل توجهی بر افزایش هزینه سرمایه داشته است. این موضوع به ویژه در بانک های خصوصی که وابستگی بیشتری به بازار دارند، ملموس تر بود.
- بانک های دولتی به دلیل وابستگی کمتر به بازار آزاد و پشتوانه های نظارتی و حمایتی، حساسیت کمتری به عوامل اقتصاد کلان مانند تورم و نرخ ارز نشان دادند.

۳. نقش نوع مالکیت:

- تفاوت واضح بین نوع مالکیت بانک ها نشان داد که فرهنگ مدیریتی و سیاست های بلندمدت، نقش تعیین کننده ای در سطح هزینه سرمایه دارند.
- بانک های دولتی، به واسطه دسترسی به منابع مالی ارزان تر و دریافت تسهیلات از دولت، هزینه های تأمین مالی پایین تری را ثبت کرده اند. در عوض، بانک های خصوصی به دلیل رقابت شدیدتر در بازار و تلاش برای تنوع بخشی پرتفوی، با هزینه های بیشتری برای تأمین مالی مواجه شده اند.

۶.۲. کاربردهای عملی نتایج پژوهش

- از یافته های این پژوهش می توان به طور گسترده در سیاست گذاری های بانکی و اتخاذ تصمیمات استراتژیک استفاده کرد:
- نتایج به تصمیم گیرندگان و سیاست گذاران بانکی کمک می کند تا سیاست های مدیریت ریسک خود را بهبود بخشند و ترکیبی بهینه از ریسک پذیری و محافظه کاری را در پیش بگیرند.
 - کاهش هزینه سرمایه از طریق نوسازی سیاست های اقتصادی مانند کنترل تورم، تقویت نظام نظارت بانکی، و افزایش شفافیت مالی از دیگر دستاوردهای این پژوهش برای کمک به توسعه نظام بانکی است.
 - نتایج این پژوهش به بانک های خصوصی نشان می دهد که مدیریت بهتر فرهنگ ریسک می تواند هزینه سرمایه بالای ناشی از رفتارهای تهاجمی را کاهش داده و موجب بهینه سازی فعالیت های مالی شود.

۶.۳. پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با توجه به یافته های این پژوهش و محدودیت های موجود، برخی از موضوعات می توانند در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرند:

۱. بررسی تأثیر تغییرات نرخ ارز و نوسانات ارزی بر هزینه سرمایه: نرخ ارز یکی از مهم ترین عوامل اقتصاد کلان است که می تواند تأثیر شایانی بر ساختار مالی بانک ها، به ویژه بانک هایی که درگیر تراکنش های بین المللی و تأمین مالی خارجی هستند، بگذارد. تحقیقات آتی می توانند با تمرکز بر تأثیر نوسانات نرخ ارز، تصویری روشن تر از ساختار هزینه سرمایه ارائه دهند.



۲. تحلیل تطبیقی فرهنگ ریسک بانک های ایران با کشورهای پیشرفته: مقایسه فرهنگ ریسک در نظام بانکی ایران با کشورهای توسعه یافته می تواند دیدگاه جامعی در مورد شکاف های مدیریتی و اقتصادی ایجاد کند. این مقایسه می تواند منجر به کشف بهترین شیوه های مدیریت ریسک و کاهش هزینه سرمایه برای بانک های ایران شود.
 ۳. مطالعه رابطه میان هزینه سرمایه و نوآوری های مالی: با توجه به گسترش خدمات مالی و ابزارهای نوین مانند بانکداری دیجیتال، سرمایه گذاری در فناوری های مالی (فین تک) و استفاده از بلاکچین در بانک ها، تأثیر این نوآوری ها بر هزینه سرمایه می تواند موضوعی جذاب و کاربردی باشد.
 ۴. تأثیر سیاست های نظارتی و قوانین بانکی: تحقیقات می توانند تأثیر مستقیم و غیرمستقیم قوانین و مقررات نظام بانکی ایران مانند نرخ گذاری بهره، کفایت سرمایه الزامی، و سیاست های حمایتی دولت از بانک های دولتی را بر فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه بررسی کنند.
 ۵. تحلیل نقش شاخص های اقتصادی محلی و منطقه ای در تعیین هزینه سرمایه: می توان بررسی کرد که چگونه شاخص های اقتصادی منطقه ای یا استانی (مانند نرخ رشد اقتصادی، درآمد سرانه و حجم فعالیت اقتصادی در یک استان) بر هزینه سرمایه بانک ها در مناطق مختلف تأثیر می گذارد.
 ۶. مدل سازی پویا در ارتباط بین ریسک و هزینه سرمایه: استفاده از مدل های پویا و سیستم های شبیه سازی به پژوهشگران امکان می دهد تا رابطه پیچیده میان ریسک، هزینه سرمایه و متغیرهای کلان اقتصادی را به صورت جامع تحلیل کنند.
- با توجه به اهمیت فرهنگ ریسک و هزینه سرمایه در بهبود عملکرد بانک ها، تحقیقات بیشتر در این زمینه می تواند راه حل های عملی و کاربردی به منظور ارتقای بهینه سیاست های بانکی و کاهش هزینه های مالی ارائه دهد. این امر می تواند نقش مهمی در تقویت نظام بانکی و بهبود وضعیت اقتصادی بلندمدت کشور داشته باشد.

منابع

- اسدی، اصغر، و اصغری، سیدمحمد. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ساختار سرمایه و تغییرات آن بر سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، ۹(۳۵)، ۱۲۹-۱۴۴.
- تهرانی، رضا و فرهنگ زاده، بنفشه و آقایاری، طاهره و دهقانی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ریسک های نقدینگی و اعتباری با عملکرد بانک های دولتی و خصوصی. اولین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد
- حسین زاده، خدادادی. (۱۳۹۷). تدوین استراتژی ریسک اعتباری بر اساس مدل SWOT در بانک ملی ایران. تحقیقات بازاریابی نوین، ۸(۲)، ۵۵-۶۸.
- خوش طینت، محسن، امیدی نژاد، محمد و رضوانیان، منیره. (۱۳۹۴). اثر ساختار تأمین مالی بر ریسک درماندگی بانک ها. فصل نامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۱(پاییز و زمستان)، ۱-۲۷.



- دژپسند، امینی، احمدی کبیر. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل موثر بر بهره‌وری کل عوامل: مطالعه موردی بانکهای منتخب تخصصی و تجاری دولتی و خصوصی ایران. اقتصاد مالی، ۱۳(۴۹)، ۱۵۳-۱۸۲.
- دهقان دهنوی، محمدعلی، محرم اوغلی، اویس، و بایی، محیا. (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده ریسک پذیری بانک ها در ایران با تاکید بر ساختار مالکیت. تحقیقات مالی، ۱۹(۱)، ۶۱-۸۰.
- سید نژاد فهیم، سید رضا، بلالی، آیت و حسن زاده، فرشته. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست تقسیم سود. مدیریت نوآوری و راهبردهای عملیاتی، ۲(۲)، ۱۶۷-۱۷۹.
- صالحی‌نیا، جمالی، ج. (۱۳۹۶). موانع و راهکارهای حقوقی واگذاری بانک‌ها و بیمه‌ها در فرآیند خصوصی‌سازی. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳۳(۱۳)، ۱۱-۳۵.
- طلائی زاده، نوروش، محمدی ملقرانی، عطالله، سحابی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه فرهنگ مالیاتی و ریسک شرکت‌ها با تأکید بر اجتناب مالیاتی) شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۱۲(۲)، ۷۱-۹۸.
- فتحی، سعید، گوگردچیان، احمد و بهزادی، عاطفه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر سیاست‌های مالی شرکت‌ها و هزینه سرمایه سهام با استفاده از مدل گامبا و تریانتیس. چشم انداز مدیریت مالی، ۸(۲۱)، ۲۹-۵۰.
- قربانی، فهمیده، دین محمدی، مصطفی و جباری، امیر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ادوار تجاری بر سوددهی بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران (طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۴). بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۵(شماره ۲ (شماره پیاپی: ۱۰)، ۵۳-۷۸.
- مرادی، مهدی و فخرآبادی، عباس. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر ارزیابی حسابرسان از کنترل داخلی و تعیین ریسک کنترل. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۰۲.
- مشتری دوست، تورج، و اسناد، فاطمه. (۱۳۹۹). جایگاه حسابرسی داخلی و نحوه عملکرد آن در نظام بانکی ایران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، ۱۲(۴۵)، ۱۸۷-۲۰۰. تفتیان، اکرم، کاکایی سبزه خانی. (۱۴۰۱). عوامل و پیامدهای تعیین کننده احساس ریسک در گزارش‌های سالانه: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۱۴(۳)، ۱۴۹-۱۸۲.
- منصوریان نظام اباد رضا، شیخی خالد، محبوب محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نسبتهای مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور، مطالعه موردی: بانک های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴. پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)
- Audi, M., Al-Masri, R. (۲۰۲۴). Examining the Impacts of Regulatory Framework on Risk in Commercial Banks in Emerging Economies.
- Barry, T. A., Lepetit, L., Tarazi, A. (۲۰۱۱). Ownership structure and risk in publicly held and privately owned banks. Journal of Banking Finance, ۳۵(۵), ۱۳۲۷-۱۳۴۰.
- Barry, T. A., Tarazi, A., Wachtel, P. (۲۰۱۹). Falling under the control of a different type of owner: risk-taking implications for Banks. Applied Economics, ۵۱(۸), ۸۳۱-۸۴۷.
- Berger, A. N., Li, X., Morris, C. S., Roman, R. A. (۲۰۲۱). The effects of cultural values on bank failures around the world. Journal of Financial and Quantitative Analysis, ۵۶(۳), ۹۴۵-۹۹۳.



- Chaly, S., Hennessy, J., Menand, L., Stiroh, K., Tracy, J. (۲۰۱۷). Misconduct risk, culture, and supervision. Federal Reserve Bank of New York.
- Chui, A. C., Kwok, C. C., Zhou, G. S. (۲۰۱۶). National culture and the cost of debt. *Journal of Banking Finance*, ۶۹, ۱-۱۹.
- Dawane, K. (۲۰۲۳). Risk Management in Public and Private Sector Banks. *International Journal of Advanced Research in Science, Communication and Technology (IJARSCT)*
- El Ghoul, S., Guedhami, O., Kwok, C. C., Mishra, D. R. (۲۰۱۱). Does corporate social responsibility affect the cost of capital?. *Journal of banking finance*, ۳۵(۹), ۲۳۸۸-۲۴۰۶.
- Evans, C. J., Selim, S. (۲۰۱۵). Risk Culture, Risk Governance, and Balanced Incentives: Recommendations for Strengthening Risk Management in Emerging Market Banks. Washington, DC: International Finance Corporation.
- Grebe, G. P. M., Marx, J. (۲۰۲۳). The perceived relationship between risk culture and operational risk management practices of Ghanaian banks. *Journal of Risk and Financial Management*, ۱۶(۹), ۴۰۷.
- Kunz, J., Heitz, M. (۲۰۲۱). Banks' risk culture and management control systems: A systematic literature review. *Journal of Management Control*, ۳۲(۴), ۴۳۹-۴۹۳.
- Mikes, A. (۲۰۰۹). Risk management and calculative cultures. *Management accounting research*, ۲۰(۱), ۱۸-۴۰.
- Mourouzidou-Damtsa, S., Milidonis, A., Stathopoulos, K. (۲۰۱۹). National culture and bank risk-taking. *Journal of Financial Stability*, ۴۰, ۱۳۲-۱۴۳.